

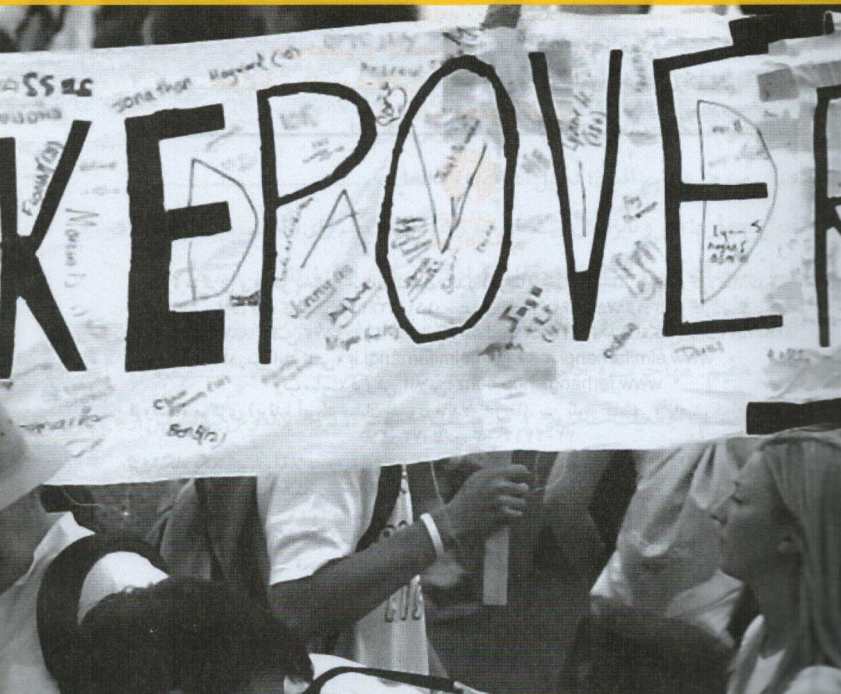
3rd WORLD COUNTRIES
PAY THE
WELL FOR

آلمان رو به فرسایش

چگونه به دست خودمان سرزمینمان را نابود می‌کنیم؟

تیلو ساراتسین

مترجمان: احمد نادری، سینا درویش عمران



فهرست مطالب

- مقدمه مترجم هفت
- پیشگفتار نویسنده بیست و یک
- فصل اول: دولت و جامعه؛ چکیده‌ای تاریخی ۱
- فصل دوم: نگاهی به آینده؛ واقعیت‌ها و خوش‌خیالی‌ها ۱۵
- فصل سوم: علایم افول؛ تحلیل انتقادی رویدادها ۳۳
- فصل چهارم: فقر و نابرابری؛ نیت‌های خیرزیاد، شجاعت کم برای واقعیت ۹۳
- فصل پنجم: کار و سیاست؛ در باب آمادگی به کار و انگیزه کار ۱۴۷
- فصل ششم: آموزش و عدالت؛ در باب تمایز خوب و نیت خوب ۱۸۷
- فصل هفتم: مهاجرت و ادغام؛ مطالبه بیشتر، عرضه کمتر ۲۶۷
- فصل هشتم: جمعیت‌شناسی و سیاست جمعیتی؛ فرزندِ باهوش بیشتر، قبل از آنکه خیلی دیر شود ۳۵۷
- فصل نهم: یک رؤیا یا یک کابوس؛ آلمان در صد سال آینده ۴۲۷

فصل اول

دولت و جامعه

چکیده‌ای تاریخی

تلاش کن تا آنچه را از پدرانانت به ارث برده‌ای به تصاحب خود درآوری.
یوهان ولفگانگ گوته، فاوست اول

مکانیسمی رمزآلود است که اقتصاد و جامعه را به پیش می‌راند: این مکانیسم از طرفی ذیل هیچ قاعده سخت و محکمی قرار نمی‌گیرد و، از طرفی دیگر، دچار قانونمندی است؛ قانونمندی‌ای که تا حدودی از لحاظ مکانی و تاریخی مقید به جامعه مشخصی است و تا حدی هم ناشی از عناصر ثابت فهم بنیادین بشری.

اگر از جامعه سخن می‌گوییم یا اگر سعی داریم انواع رفتارهای اجتماعی را دسته‌بندی کنیم، این کار را از منظر ساختارهای هنجاری صورت می‌دهیم که به‌طور تلویحی ساخته شده‌اند. در مورد ویژگی تاریخی - هنجاری این ساختارهای هنجاری واقعاً خیلی به‌ندرت تحقیق می‌کنیم. این شرایط عمومی جامعه‌شناختی، مذهبی و اقتصادی همیشه در ارتباطی تأثیرگذار و متقابل با هنجارهای مؤثر در بلندمدت و همچنین انواع رفتارها در جامعه است.

نظریهٔ ادوارد او. ویلسون^۱، می‌توان این گونه شروع کرد که تکامل زیست‌شناختی به انسان یک استعداد مادرزادی و یک پهنهٔ رفتاری بخشیده است که در طول مسیر «تکامل زیست‌شناختی» ثانویه دگرگون می‌شود و اینکه در این چارچوبی که زیست‌شناسی برای طبیعت انسانی معین کرده یک تکامل پرتنوع فرهنگی رخ داده است و باز هم رخ خواهد داد. زمانی توضیح در مورد رفتار انسانی و توسعه و تحولات آن امکان‌پذیر است که به هر دو عنصر پرداخته شود، زیرا جوامع بشری و انسان به‌عنوان یک گونه (نژاد) بیش از هر چیز از طریق هدایت تکامل فرهنگی بر سرنوشت خود تأثیر می‌گذارند.

اگر کسی در جست‌وجوی اشکال مشترک تمام جوامع بشری از آغاز تاریخ تا کنون باشد، به سه اصل ثابت زیر در مورد تاریخ بشریت برمی‌خورد:

- همیشه اشکالی از سازمان اجتماعی وجود داشته‌اند که از دل جمع خانواده شروع می‌شوند.
- همیشه در این اشکال سازمانی نوعی سلسله‌مراتب وجود داشته است.
- سلسله‌مراتب اشکال سازمانی همیشه اساساً در ارتباط با امکان اعمال قدرت بوده‌اند. این اشکال سازمانی زمانی مستحکم‌تر بود که یا از لحاظ مذهبی یا از لحاظ مادی مشروعیت لازم را می‌داشت و در بهترین حالت از هر دو شکل این مشروعیت برخوردار بود.

اشکال جامعهٔ باثبات حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد را به این ترتیب به هم متصل می‌ساخت:

۱. حوزهٔ سیاست: تأمین امنیت خارجی به‌واسطهٔ قوای نظامی و استقرار قدرت در داخل، خواه از طریق خشونت یا از طریق سنت‌ها یا قواعد نهادی، که اغلب موضوع به‌ترکیبی از این عناصر برمی‌گردد.

شکست‌های گوناگون در رویکردهای مربوط به سیاست‌های توسعهٔ سیاسی نشان داده است جوامع و اقتصادهای ملی به‌راحتی قوام نمی‌گیرند. توسعهٔ فرهنگی و اقتصادی در مرکز اروپا و در کشورهای اسلامی خاورمیانه روندی متفاوت با آسیای شرقی دارد. در اروپای کمونیستی سابق، راهی غیر از اقتصاد بازار آزاد غربی پیموده شد. حتی در مورد اقتصادهای بازار هم تفاوت‌های بزرگی وجود داشت و دارد و نه فقط در بین کشورها، بلکه در خود کشورها هم چنین تفاوتی وجود دارد. در شمال ایتالیا عملکردی متفاوت با جنوب ایتالیا وجود دارد. در شوابن^۱ بیشتر ماشین‌سازی و بازرگانی وجود دارد تا در اوکرامارک، و به همین سبب رفاه بیشتری هم در شوابن وجود دارد. این رفاه موجب شروع مهاجرت و منجر به این شده است که ساکنان شوابن از متوسط بهرهٔ هوشی بالاتری نسبت به اهالی اوکرامارک برخوردار باشند، اگر بتوان به نتایج آزمون ارتش آلمان در مورد سربازان این دو منطقه باور داشت. با اینکه هیچ روش قابل اثبات علمی برای گنجاندن جوامع با فرهنگ‌های گوناگون و با مسیرهای متفاوت توسعه در یک رتبه‌بندی (رده‌بندی) وجود ندارد، به‌راحتی می‌توان به یک اتفاق نظر رسید، و آن اینکه شرایط و مناسبات در آلمان در حالت کلی از رومانی بهتر است، و دیگر اینکه زندگی در رومانی از زندگی در سودان بهتر است. علاوه بر آن، می‌دانیم شرایط زندگی در سودان آن‌قدرها هم بد نیست که بگوییم سوماتالی وضعیت بهتری دارد.

فرض کنیم که انسان‌ها — فارغ از تفاوت‌های موروثی در هوش و مزاج — با امکانات و شانس اساساً مشابهی به دنیا آمده‌اند و سپس امکانات، نهادها و نظام‌ها به‌صورت محدود شکل گرفته‌اند. براساس

۱. شوابن یا سوابیا یا شوابیا (آلمانی: Schwaben) نام ناحیه‌ای تاریخی - فرهنگی در جنوب غربی آلمان بوده که سابقاً دوک‌نشین بوده است. همچنین منطقهٔ سوابیا جزئی از فرهنگ عصر آهنی لاتین (La Tène culture) بوده است. سوابیا در زمان امپراتوری مقدس روم جزئی از این سرزمین بود. - م.